

## تشکیلات در اسلام

### الان حزب اللهم الغالبون

فرمود حضرت صادق علیه السلام هر گاه قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند خیمه هارا می زند برای کسانی که ب مردم قرآن را تعلیم کنند بهمان ترتیبی که خداوند بر پیغمبر نازل فرموده و مشکل ترین آنچه میباشد برای کسانی است که امروز حافظ قرآن هستند برای اینکه کیفیت نزول قرآن یا تالیف کنونی او مخالف میباشد و سر مطلب آنست که دولت های بزرگ و ملل متمدنه دنیا بمناسبت اینکه استقلال حقیقی دارند برای اصلاحات امور اجتماعی خود می توانند بطور آزاد و مستقل فکر کنند و چون هدف آنها زندگانی صحیح و عاقلانه است رهبر آنها عقل و خرد میباشد مجالس شوری و سنا و رؤسای جمهوری و بالاخره زمام داران آنها در بهبود وضع زندگانی فردی و اجتماعی کوشش می کنند که راه بهتر و نزدیک تر را پیدا کنند و از همین جهت در مسائل اجتماعی دخالت می کنند و در مقام انتخاب رئیس جمهور و یا وکلای مجالس شورای ملی و سنا کسانی را انتخاب می کنند که حقیقتاً صلاحیت آنها را از نظر اکثریت تشخیص داده باشند و باین جهت مسئله صلاحیت شخصی یک مسئله فوق العاده مهم است و بدیهی است هر کسی که صلاحیت او بیشتر، در نظر مردم اهمیتش زیاد تر است و برای صلاحیت شخصی ارزش زیادی قائل می باشند و از این جهت در تشخیص مردان صالح و ورزیده می شوند و بهتر می توانند تشخیص بدهند و مردان اصلاح طلب را بشناسند که رشد عقلی و اخلاقی در هر کس زیاد تر، البته بیشتر مورد توجه است و لذا وقتی که متوجه شوند که از هر راهی می روند به نتیجه کامل نمی رسند طالب مصلح حقیقی هستند و بمحض آنکه ندای آسمانی و مصلح واقعی بگوش آنها برسد از نظر درك و رشد اخلاقی او را در آغوش میگیرند و دعوت او را می پذیرند و باین جهت است که غالب احکام اسلام اکنون میانه آنها

عملی است مانند راستی و درستی و امانت و نظم و فروتنی و بالاخره بسیاری از ملکات خوب و عادات پسندیده که در اسلام اهمیت زیادی برای آنها رسیده در میانه آنها عملی است و بر عکس در مسلمین و ملل عقب افتاده که اولاً از تشخیص مردان صالح و درک راه اصلاحات عاجز می باشند و از آزادی سوء استفاده می کنند و در مورد انتخاب و کیل برای مجلس شورای ملی عاجز می باشند و نمی توانند اولاً تشخیص بدهند و چنانچه آزاد باشند کسانی را انتخاب می کنند که بتوانند از وجود آنها منافع شخصی خود را تأمین کنند و یا تصور می کنند هر کس نماز زیادتر می خواند و بیشتر متظاهر بدین باشد برای انتخاب مجلس هم شایسته تر است

در صورتی که نماز خواندن و روزه گرفتن تنها برای این موضوع کافی نیست و آنچه در این مورد شایسته توجه است تشخیص صالح و فساد و رشد عقلی و اخلاقی است که در مرتبه اول تشخیص بدهد و در مرتبه دوم شهادت و شجاعت و اراده قوی داشته باشد که نظریات خود را به مرحله اجرا در آورد و از این رو در شناختن مردان مصلح ناتوان میباشند برای اینکه در این موضوع تشخیص آنها بکار نیافتاده و غالباً از نظر منافع شخصی طرفداری از اشخاص میکنند و باین جهت کسانی که حقیقتاً صالح باشند خود را معرفی نمی کنند و حتی الامکان از اجتماع دوری می کنند و کسانی که صالح نیستند وارد میدان میشوند چنانچه در چنین اجتماعی مردان اصلاح طلب که حقیقتاً منافع اجتماع را مدنظر قرار داده اند برای تأمین منافع اجتماع قدم بردارند مخالفین اسلام بوسیله عناصر مزدور خود بوسیله انواع و اقسام تهمتها و افتراها او را از کار می اندازند و بالاخره اثر سخنان و دعوت آنها را از میان می برند برای مثال کافی است که مانند سید جمال الدین اسدآبادی را متذکر شویم که یکی از مصلحین و طرفدار اتحاد مسلمین بود و در این باره هم اقدامات بزرگی کرد در مصر و هندوستان و برای بالا بردن افکار مسلمین مقالاتی منتشر کرد و لکن بالاخره مخالفین اسلام بوسیله مسلمین او را در سال هزار و سیصد و چهارده شمسی در اسلامبول مسموم کردند که با خط خود نوشت «انا المسموم ما عندی بتر یاق و لا و اق» من همان کسی هستم که مرا زهر دادند و کسی نبود که از من

نگاهداری کند و در زمان حیات او هم اورا متهم کردند و نسبت باو توهین ها کردند .  
 وهم چنین هر کسی که بخواهد وارد اصلاحات اساسی و متینی شود بمناسبت  
 اینکه اقدامات او اگر از روی حقیقت برای دین باشد مخالف با منافع استعمار خواهد بود  
 و از طرفی مواجه با عدم رشد مسلمین میشود و از ناحیه مسلمین او را متهم میکنند و  
 نمی گذارند اقدامات و یاسخنان او مؤثر واقع شود بهمین دلیل است که ائمه طاهریں  
 دستور داده اند که باید پیش از قیام قائم با دولت ها مدارا کرد و نباید بر علیه قوه ها کمه  
 قیام کرد چنانکه امام باقر علیه السلام فرمود «مثل من خرج منا اهل البيت قبل قیام القائم  
 مثل فرخ طار و وقع فی کوة فتلا عبت به الصبيان» مثل کسی که از ما خروج کند پیش از  
 قیام قائم مثل جوجه ایست که پرواز کند و در سوراخ دیواری بیفتد و بدست کود کان  
 گرفتار شود که با او بازی کنند .

زیرا وقتی رشد عقلی و اخلاقی نباشد مجال است که رجال اصلاح را بشناسند و از  
 آنها پیروی کنند .

و از این جهت مردان بزرگ که همیشه در میانه مردم هستند و هیچ وقت  
 زمین خالی از وجود آنها نیست تنها وظیفه آنها این است که سعی کنند  
 اینکه رشد عقلی و اخلاقی مردم را بالا ببرد و این مهم ترین خدمت آنهاست بعالم اجتماع  
 و از این جهت امام صادق علیه السلام فرمود «قال رسول الله صلی الله علیه و آله یحمل هذا الدین فی کل قرن  
 عدول ینفون عنه تاویل المبطلین و تحریف الغالین و انتحال الجاهلین كما ینفی الکبیر  
 خبث الحدید» رسول خدا فرمود در هر قرنی مردمان معتدلی این دین را بردوش می کشند  
 که از دین دور میکنند تا ویلات مردمان باطل را و تحریف مردمانی که غلومی کنند  
 و کسانی که نادان می باشند و خود را بسته بدین میدانند همچنانکه کوره آهنگری دور  
 می کنند و پاک می نماید ناپاکی آهن را .

و اینگونه از مردم همان علمای ربانی هستند که متکفل تربیت مردمان جاهل  
 می باشند و مثل آنها مثل باغبان است که سعی می کند که آنچه مانع ترقی و رشد درخت  
 است دور کند و درخت را آب باری کند تا اینکه بارور بشود .

بدیهی است رشد عقلی مربوط است به علم و دانش هر اندازه که علم بالا برود رشد عقلی هم زیادتر خواهد شد و هر فردی از افراد درس معینی عاقل می شود که تا حدی خوب را از بد و حسن و قبح را تشخیص خواهد داد و این قوه عاقله قابل استکمال است و استکمال او بوسیله علم و دانش است امیر المؤمنین علیه السلام فرمود «العقل عقلا ن مطبوع و مسموع و لا ینفع مسموع اذ لم یک مطبوع» و این رشد عقلی یاد راتر تجرب به پیدامی شود و کامل میگردد و یاد راتر علم و کسب دانش.

در قسمت اول کسانی که درد نیا در اثر تجرب به زیاد پیر شده اند مسلماً تجرب به آنها زیاد تر است که «رأی الشیخ احب الی من جلد الغلام» امیر المؤمنین فرمود رای و عقیده مردان پیر برای من بهتر از جلادت و چابکی جوانان است و از این جهت جوانانی که تازه وارد مرحله زندگی میشوند در صورتی که بی بند و بار و گسسته مهار باشند و به نصیحت بزرگان گوش ندهند در اثر شهوت رانی ممکن است با انواع و اقسام امراض جسمی و روحی مبتلا بشوند و بعد از آنکه مواجه با حوادث و نامالایمات شدند کم کم عاقل می شوند و میدانند تا کنون راهی را که رفته اند غلط بوده و بیداری شوند و یاره از جوانان وقتی مشاهده حال دیگران رامی کنند و متوجه باشند که این گرفتاریها معلول علل و جهاتی است که مربوط به خود انسان است از مشاهده حال آنها عبرت میگیرند.

همچنین عالم بشریت در صورتی که متوجه شود که این همه ناراحتیها و بدبختیها در اثر گسسته مهاری و بی بند و باری و شهوت پرستی است و چنانکه بخوانند اصلاح شوند چاره ندارند که از راه شهوت پرستی بر گردند و هر فرد و اجتماعی که دروادی شهوت پرستی افتاد و بکلی نابود شد این حقیقت را درک میکند و ناچار باید از این راه بر گردد هم چنانکه تا حدی این موضوع را ملل بزرگ دنیا کم کم درک میکنند و می فهمند که این راه راه خطائی است.

و یا آنکه از راه کسب و تحصیل علم و دانش باید عقل فردی و اجتماعی کامل بشود که حضرت صادق علیه السلام بمفضل فرمود «لا یفلح من لا یعقل و لا یعقل من لا یعلم»

ولذا علما و دانشمندان بزرگترین خدمت را به عالم بشریت می کنند که عبارت از تقویت عقل است .

و همین عقل است که سرمایه ترقی و تکامل و سعادت فرد و اجتماع است و هر قدر این عقل در فرد و اجتماع کامل شود فضائل اخلاقی و ملکات فاضله در او رشد خواهد کرد بطوریکه دین و ایمان و حیا متلازم با عقل است و هم چنین عقل بمنزله سلطانی است که خیرات بمنزله جنود لشکر عقل اند و بر عکس جهل و نادانی منشاء تمام آفات و شرور است و تمام بدبختیها تابع جهل و نادانی است و مدینه فاضله وقتی تشکیل میشود که در عالم بشریت این قوه در اکثریت افراد و ملل به مقام کمال ورشد رسیده باشد .

و تنها علم و دانش این قوه را تأیید می کند امیر المؤمنین فرمود « و مؤید العقل العلم » و در جای دیگر فرمود « العلم امام العقل و العقل تابعه » علم پیشوای عقل است و عقل تابع علم است و حقیقت انسانیت عقل است امیر علیه السلام فرموده اصل انسان لبه ، پایه انسانیت عقل است و کسانی که اساس عقل ندارند و یا عقل آنها مرده است با حیوان فرقی ندارند امیر المؤمنین فرمود « و فقد العقل فقد الحیوة و لایقاس الا بالاموات » کسی که عقل ندارد حیوة انسانی ندارد و او را مقایسه نمی توان کرد مگر با مردگان و کسی که عقل دارد ولی او را بکار نینداخته عقل او مرده است امیر المؤمنین فرمود « من ترك الاستماع من ذوی العقول مات عقله » هر کس که گوش ندهد بسخن مردمانی که عاقل هستند عقل او مرده است .

و از این جهت خداوند از اکثریت مردم سلب عقل فرموده « ام تحسبان اکثرهم یسمعون او یعقلون انهم الا کالانعام بل هم اضل » آیا گمان میکنی که بیشتر مردم می شنوند و یا تعقل می کنند نیستند اینها مگر مانند چهارپایان بلکه ایشان گمراه تر هستند و یادر جای دیگر میفرماید « اکثرهم لایعقلون » بیشتر مردم عاقل نیستند کسی که سرمایه دارد ولی بکار نمیاندازد با کسی که اصلا سرمایه ندارد فرقی ندارد و اولین شرط ترقی و تکامل فردی و اجتماعی همین است که هر کس باید پندای عقل و

خر خود گوش بدهد امیر المؤمنین فرمود : بدانید کسی کہ خداوند باو کمک بکند کہ بر خود غالب شود کہ خودش واعظ خود باشد از غیر خود وعظی را نمیشنود . وعقل خدا دادی بانیروی علم ترقی خواهد کرد و حیوة انسانی با علم کہ مؤید این عقل است پیدا میشود

راوی در خدمت حضرت باقر علیه السلام عرض کرد اینکہ خدا فرموده «ومن احياها فکانما احيا الناس جميعاً» قال (ع) من جرق او غرق . قلت فمن اخرجهما من ضلال الی هدی . فقال ذلك تاويلها الاعظم

هر کس زنده کند کسی را گویا زنده کرده است همه مردم را گفت از آتش سوزان یا غرق شدن در آب گفتم پس کسی کہ او را بیرون کند از گمراهی بسوی هدایت پس فرمود این تاویل بزرگ تر آیه است

و بر عکس قتل نفس : عن ابی عبد الله علیه السلام قال قلت له قول الله تبارک و تعالی «من قتل نفساً بغير نفس فکانما قتل الناس جميعاً» فرمود: «ومن اخرجهما من هدی الی ضلال فقد قتلها» کسی کہ او را بیرون کند از هدایت بسوی گمراهی او را کشته است ! پس حیوة انسانی حیوة عقلانی و هر کس او هم هر کس قوه عاقله است کہ در صورت نبودن مانند طفل و دیوانه اصلاً مکلف نیست و در صورت وجود عقل و عدم درک و اعمال مرده است و حیوة او بعلم و درک او است و عالم زنده است و عالمی کہ علم خود را بکار اندازد و زنده کننده قوه عاقله است و هر کس نادانی را از گمراهی نجات بدهد او را زنده کرده است و پدر روحانی او است

ولذا مقام نبوة و رسالت پدر حقیقی مؤمنین هستند کہ «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم و ازواجه امهاتهم» و رعایت حق آنها و احسان نسبت بآنها مهم تر است از رعایت و احسان نسبت بپدر و مادر صوری و در صورت اصطکاک اطاعت آنها با اطاعت پدر و مادر اطاعت آنها مقدم است «وان جاهدک علی ان تشرک بی مالیس لک به علم فلا تطعهما» .

پس علم موجب حیوة عقل است کہ لب انسان است و هر علمی موجب حیوة

عقل نیست و میتوان علم را به سه قسمت تقسیم نمود يك قسمت از موضوعات است که اگر چه بنام علم خوانده میشود ولیکن علم نیست و حیوة عقلی از آنها پیدا نمیشود مانند فرضیه ها و اوهام و خیالات فلاسفه یونان در قرون وسطی و هم چنین کسانی که روی عقیده و نظریه شخصی و مقایسات بی جا احکام اسلامی را توجیه کرده اند که اساساً از موضوع علم خارج است و داخل در شكوك و ظنون است بدیهی است این موضوعات بهیچ وجه موجب تقویت انسان نمیشود



### معذرت

عده ای از شعرا و نویسندگان اشعار و مقالاتی در فوت حضرت آیت الله آقای بروجردی طاب ثراه برای ثبت در مجله فرستاده اند از اینکه موفق بدرج آن نگردیده ایم معذرت خواسته و اجر جزیل و صبر جمیل برای آنها از خدای بزرگ خواهیم



### تشکر و امتداز

جمع زیادی از دوستان محترم و خوانندگان عزیز بمناسبت فرارسیدن سال نویوسیله نامه ها و کارت های تبریک ما را مورد مرحمت قرار داده اند متقابلاً تبریک عرضه داشته سلامتی آنها را از خداوند متعال خواستاریم و از اینکه جدا گانه بجواب مبادرت نشده معذرت میخواستیم